

داستان‌های واقعی یا واقع‌گرایی داستانی؟

نقد و بررسی کتاب

معرفی روانشناسی روایت: خود، تروما و ایجاد معنی، کراسلی، میشل ال، باکینگهام، مطبوعات دانشگاه آزاد، ۲۰۰۰، ۲۰۰ صفحه.^۱روزبه مرادی^۲

کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

هدف کتاب کراسلی، آشنا کردن خواننده با این حوزه‌ی مطالعه‌ی پیچیده و متضاد است. در اصل به این هدف دست پیدا می‌کند اما از نظر نگارنده مقاله، کار کمی برای پیشبرد این جنبه انجام داده است. این کتاب به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول بر موقعیت نظری تفکر روایی موجود در روانشناسی، هم به‌عنوان نفوذ رو به رشد در روانشناسی ساختارگرایی اجتماعی، و هم به‌عنوان حوزه‌ی مطالعاتی بسیار تأثیرگذار برای درک تجربه‌ی انسان واقعی تمرکز می‌کند. بخش دوم بر ذات تحلیل روایت و چگونگی دریافت معنا از آنچه در مصاحبه‌ها ارائه می‌شود، تمرکز می‌کند. این بخش همچنین دستورالعمل‌هایی برای آغاز تحلیل داستان زندگی خود فرد، ارائه می‌کند. درنهایت، در بخش سوم کتاب، کراسلی بر تجربه‌ی زنده‌ی افرادی که از مشکلات بعد از تشخیص اچ آی وی مثبت رنج‌برده‌اند، تمرکز می‌کند و موضوعات مربوط به کار تجربی چند سال گذشته‌اش را توسعه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: روانشناسی اجتماعی، روانشناسی زبان، معنی‌شناسی، میشل کراسلی.

¹ Crossley, Michele L. (2000). *Introducing Narrative Psychology: Self, Trauma and the Construction of Meaning*. Open University Press: Buckingham

² Email: info@rmoradi.ir

۱. روایت و خود

از زمانی که کار بسیار مهم ساربینز^۱ (۱۹۸۶) در مورد روانشناسی روایت و تأثیر مطالعات روایی به شکل قابل توجهی رشد کرده است، درک جامعی از ذات خود و هویت به دست آمده است. در واقع، استفاده از روایت‌ها در روانشناسی چیز جدیدی نیست و احتمالاً به اندازه‌ی خود روانشناسی قدمت دارد. روانکاوی بدون استفاده مجدد از گفتن و شنیدن داستان‌ها وجود نداشت. اگرچه، در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی در مطالعه‌ی روایت به خاطر خود روایت، به جای ابزار درمانی صرف، به وجود آمده است، حوزه‌ی خود و هویت هم همین افزایش را تجربه کرده است.

رابطه‌ی بین خود و روایت، رابطه‌ی پیچیده‌ای است که شامل بررسی و تحلیل جوانب اصالت، تألیف، زمان و طرح‌ریزی است. هایدگر^۲ (۱۹۶۲) نشان داد که ما دو امکان داریم، اینکه داستان خود را بنویسیم یا زندگی را طبق نوشته‌ی تألیف شده توسط دیگران، دنبال کنیم. همان‌طور که مکینتایر^۳ (۱۹۸۱) اشاره کرده است، خود تألیفی، افسانه‌ای برخاسته از فردگرایی مدرن و ذات نارسیستی جامعه‌ی مدرن غربی است. در واقع، ممکن است گفته شود که افراد فقط راوی هستند نه نویسندگان زندگی خودشان. اما در این دیدگاه یک مشکل اساسی وجود دارد، مشکل مطالعات روایی خود که شامل تلاشی پایدار برای حفظ موضوع میزان کمک خود به ساخت داستان به شیوه‌ی عاملیتی و میزان تأثیرپذیری ساخت داستان فرد از محیط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی راوی و گفتن است. اینجاست که کراسلی، فرصت تعیین رویکردهای روایی مختلف با توجه به روانشناسی را ندارد. به‌عنوان مثال، موضوع مربوط به ماهیت اصالت مستقیماً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در حالی که او آشکارا معرفت‌شناسی پست‌مدرن و فمینیست را در هم می‌آمیزد، مخفیانه معرفت‌شناسی عمل‌گراتر و واقعی‌تری را اقتباس می‌کند که مورد توجه کسانی مانند پلکینگهورن^۴ (۱۹۸۸) قرار گرفته است که به دیدگاه روانکاوی خود و ساخت آن گرایش دارد که خود آن به وحدت خود تمایل دارد نه کثرت پست‌مدرن خودهای ترکیب‌شده توسط ساختارگرایان اجتماعی مانند گرگن^۵ (۱۹۹۱).

مطالعه‌ی مهم کربی^۶ (۱۹۹۱) در مورد روایت و خود، رابطه‌ی بین زبان و افراد را بررسی می‌کند و اشاره می‌کند که خود، از زبان نشأت می‌گیرد و به‌عنوان شخصیت شکل می‌گیرد مانند آن‌هایی که تقریباً هرروزه در رمان‌ها، نمایشنامه‌ها و دیگر رسانه‌های داستانی با آن‌ها مواجه می‌شویم. خود از طریق متناسب‌سازی، تفسیر کردن و بازگویی حوادث گذشته از دیدگاه اینجا و اکنون، خود را می‌سازد. به شیوه‌ای مشابه، کربی بر موضوعی کلیدی در روانشناسی پست‌مدرن تمرکز می‌کند که توجه به چگونگی شکل‌دهی و تأثیرگذاری زبان بر خود، از لحاظ درک رابطه‌ی ذاتی بین قدرت، سیاست، اعتبار، و معنا در زندگی انسان است. کراسلی از بسیاری از مشکلات تئوریک پیش‌فرض به نفع مطرح کردن نقطه‌ای که از نظر او، روانشناسی روایی باید در آنجا قرار گیرد، اجتناب کرده است و تنها به معرفی بسیار کوتاه

¹ Sarbin

² Heidegger

³ MacIntyre

⁴ Polkinghorne

⁵ Gergen

⁶ Kerby

موقعیت‌های نظری مربوط به خود در روانشناسی اکتفا کرده است. اما به نظر می‌رسد که کراسلی در این تلاش هرچند مختصر بررسی پایه‌های رویکردهای روایی برای درک خود، حتی کار قابل توجه کربی را در نظر نگرفته است. او نشان می‌دهد که مطالعات روایی می‌توانند شکاف بین رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی نسبت به خود و رویکردهای پدیده شناختی را پر کنند، اما از نظر او هر دو این‌ها دچار نقص هستند. برای کراسلی، رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی تا آنجا بر زبان تمرکز می‌کند که سوژه گم می‌شود، درعین حال رویکردهای پدیده شناختی تمایل دارند که سوژه را تا حدی به شکل تخیلی درآورد که تأثیرات فرهنگی فراموش شوند. این در حالی است که رویکردهای روایی نیاز به معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه‌ای را به رسمیت می‌شناسد که به اندازه‌ی کافی می‌تواند برای تجارب افراد خاص، احترام قائل شود. در ادامه کراسلی، روایت‌ها را به‌عنوان پلی میان واقع‌گرایی و ایدئال‌گرایی می‌بیند. این بحث به این دلیل مطرح شده است که بیان کند مفاهیم فردگرایی، فردیت، خودمختاری، و منحصربه‌فرد بودن فرد، ساختارهای اجتماعی هستند. اما این مباحث برخلاف چیزی که بسیاری از نویسندگان قوم‌گرا می‌گویند، ساختارهای جهانی نیستند.

۲. تحلیل، تألیف و اصالت

دومین بخش کتاب کراسلی بسیار خوب نگاشته شده و به مبتدیان این حس را القا می‌کند که تحلیل روایت قابل انجام است. نکته‌ای که در این زمینه باید به آن اشاره کرد این است که بسیاری از گفتگوهای مربوط به افراد، از خود روایت‌ها تشکیل شده‌اند، پس این می‌تواند به‌عنوان یک اصل کوچک در نظر گرفته شود. این امر تأثیر داستان‌های روایی برگرفته از فرهنگ را در ایجاد خود و حس فرد نسبت به هویت، در نظر می‌گیرد اما هنوز این تصور وجود دارد که فرد نمی‌تواند اعتقاد نهایی را به وحدت مفهوم خود بیفزاید. گزینه‌ی کثرت خودها، یا خودی که همیشه در سایه‌ی متنی که در آن خود را می‌یابد، تغییر می‌کند فقط مربوط به نویسنده نیست بلکه به خودی که اساساً یکسان است نیز مربوط می‌شود. کراسلی واقعاً تلاش می‌کند تا خواننده را وادار به تحلیل یا حداقل فکر کردن به تحلیل زندگی خودش کند، اگرچه این امر به شکل جدی مورد توجه قرار گیرد باید گفت که این کار احتمالاً با سختی‌های فراوانی همراه می‌شود. اما این کار باعث می‌شود که خواننده، داستان زندگی را مانند شرکت‌کنندگان تحقیق، تجربه کند. همچنین باید به خاطر داشت که انجام فعالیت پیشنهادشده، به شرکت‌کنندگان دید بزرگ‌تری نسبت به جهان خود نخواهد داد، اما موجب می‌شود که به تحلیلگران بسیار متفکرتری تبدیل شوند، که چیز بدی نیست.

موقعیت متن در بخش سوم کتاب بسیار مهم است که بر تجربه‌ی زنده‌ی افرادی که از مشکلات بعد از تشخیص اچ آی وی مثبت رنج برده‌اند، تمرکز می‌کند. در اینجا باید گفته شود که مطالب سوژه به شکل حساسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند و علیرغم پیش بحث، کراسلی به شکلی به موارد می‌پردازد که مزایای رویکرد روایی برای درک معنای ترومای موجود در زندگی افراد روشن شود. موضوع چگونگی کنار آمدن فرد با، به‌عنوان مثال، حوادث متغیر زندگی، با توجه به احترام و یکدلی نسبت به تجارب زنده‌ی ارائه‌شده در روایت‌ها، مورد بحث قرار می‌گیرد.

این حس به وجود می‌آید که رویکرد کراسلی به سوژه مفید است، به‌ویژه وقتی واکنش فرد نسبت به تروما به‌عنوان موضوع اصلی کتاب در نظر گرفته می‌شود. این کار به فرد اجازه می‌دهد تا نسخه‌ی خود را از حوادث داشته باشد. این امر، اولویت کلمه‌ی گفتاری فرد رنج‌کشیده را در نظر می‌گیرد اما این به‌نوبه‌ی خود، نشان‌دهنده‌ی مشکل دیگری است که کراسلی از آن اجتناب می‌کند و آن، «واقعیت» داستان ارائه‌شده برای محقق است. چقدر واقعی است؟ رابطه‌ی بین چیزی که گفته می‌شود و چیزی که تجربه می‌شود، چیست؟ ما به‌عنوان محقق چگونه متوجه می‌شویم که چیزی رخ داده است یا چیزی داستانی است؟ از همه مهم‌تر، آیا این اهمیت دارد؟ اگر کسی از رویکرد کراسلی استفاده کند، بلکه اهمیت دارد. واقعیت به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که انسجام در طول زمان حفظ شود. اگر نظر شخص و مسیر آینده عوض شود، پس این خود است که داستان را تغییر می‌دهد و روایت‌های گفته‌شده به‌هیچ‌وجه نشان‌دهنده‌ی آن تغییر نیستند. اگرچه، دو جنبه‌ی این، یعنی خود و روایت‌هایش، رابطه‌ی همبستگی دارند، جدایی این دو ممکن است آن‌قدرها آسان نباشد. اگر کسی درک کند که زمینه‌ی روایت گویی مهم است (به‌گونه‌ای که زمینه‌های مختلف، روایت‌های مختلفی تولید کنند)، پس روایت‌ها را می‌توان به‌عنوان ابزار تحلیل خود و هویت در نظر گرفت.

این مهم نیست که آیا فرد حوادث واقعی را بازگویی می‌کند یا خیر، بلکه هدف داستان‌گویی مهم است، چه درست باشد و چه نباشد. ادعای اینکه چیزی که شخص می‌گوید، نسخه‌ای است از آنچه واقعاً رخ داده است باعث از دست رفتن فرصت بررسی راه‌های دیگر تحلیل روایت و ساخت خود می‌شود.

هنگام کار با این موضوع، سؤالی که مطرح می‌شود این است: شخص تا چه اندازه می‌تواند روایت (های) زندگی خود را کنترل کند؟ به‌عبارت‌دیگر، شخص چگونه می‌تواند خود و هویتش را بسازد، و این هویت تا چه اندازه توسط عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل می‌یابد و تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ در واقع، در ۳۰ سال گذشته، نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، فرد را به‌عنوان سوژه‌ای که صرفاً به محرک‌های خارجی واکنش نشان می‌دهد، در نظر نمی‌گیرند بلکه او را سوژه‌ی عاملی می‌دانند که به شکلی فعال در خود محیط، شرکت و فعالیت می‌کند.

اگرچه، در کنار این نظریه‌ها، نظریه‌ی تأثیرگذاری وجود دارد که می‌گوید فرد چنان با محیط اجتماعی درهم‌تنیده است که تصور می‌شود که خود وحدت بسیار کمی دارد. (گرگن، ۱۹۹۱؛ لاش^۱ و فریدمن^۲، ۱۹۹۳) در واقع، روایت زندگی یک ساختار اجتماعی، تا حدودی انتخابی و تا حدودی داستانی، اما درعین‌حال ابزاری برای تعامل فرد با دیگران است. (گرگن، ۱۹۹۱)

یکی از راه‌های درک این نظریه‌های به‌ظاهر متفاوت (اصالت‌گرا در برابر ساختارگرا)، تلاش برای فشرده‌سازی خود اصیل در وحدتی است که از طریق رشد اولیه تعیین می‌شود، (هری^۳ و گیلت^۴، ۱۹۹۴) وقتی جامعه به فرد

¹ Lash

² Friedman

³ Harre

⁴ Gillett

کمک می‌کند تا از طریق تجارب مربوط به جهان رشد کند تا بتواند در زمینه‌های اجتماعی مختلف به فعالیت بپردازد.

به‌عنوان مثال، ریکوار^۱ (۱۹۹۲) بیان می‌کند که نیاز به وحدت یا انسجام روایت برای عمل در جهان احساس می‌شود و آن وحدتی که این‌گونه ساخته می‌شود باید به شکل اجتناب‌ناپذیری «ترکیبی ناپایدار از افسانه و تجربه‌ی واقعی» باشد. این شبیه مفهوم انسجام روایت و وفاداری روایت فیشر^۲ (۱۹۸۷) است و آنچه مهم است، اعتقاد به داستان است.

اما تأکید بر مطالعه روایت، به‌نوبه‌ی خود، نشان‌دهنده‌ی تأکید بر استقلال، آزادی و انتخاب نیست. دنت^۳ (۱۹۹۱) اشاره می‌کند که نیازی برای روایت با خود اسطوره‌ای یا داستانی ایجاد شده و این امر به خاطر پاسخگویی اجتماعی یا اخلاقی ایجاد شده است. اما این نظریه با لحن کلی کتاب کراسلی در تضاد است. افراد، عوامل انتخاب کردن آزادانه و همچنین سوژه‌ی تأثیرات داستان‌های فرهنگی هستند که همه‌ی ما تسلیم آن‌ها می‌یم. متأسفانه، این امر از منظر معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه، غیرقابل‌دفاع است. فرد نمی‌تواند هم خود عامل و هم محصول و تولیدکننده‌ی روایت‌های فرهنگی باشد.

نتیجه‌گیری

به‌وضوح، هدف کتاب کراسلی افرادی هستند که دانش قبلی کمی نسبت به جایگاه روایت در روانشناسی تحت سلطه‌ی معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه دارند. برای انجام این کار، این کتاب به شکل اجتناب‌ناپذیری سعی می‌کند تا کارها را بسط ندهد، و همه‌چیز را به همه‌کس مربوط سازد و مخاطبان را وارد تلاش برای یافتن راهی جدید به‌منظور کشف دانش در مورد جهان کند اما درعین‌حال، به شکلی مستأصل تلاش کند تا موقعیت غالب مثبت‌گرایی موجود در تفکر اصلی روانشناسی را آشفته نکند. اما به‌عنوان متنی که روایت‌های جهان مهیج را معرفی می‌کند، موفق عمل نکرده است بنابراین کسی که می‌خواهد در بررسی رادیکال جایگاه روایت در حوزه‌ی گسترده‌تر مطالعات پست‌مدرن معنای انسان بودن، یا خود، وارد شود، ناامید خواهد شد.

^۱ Ricoeur

^۲ Fischer

^۳ Dennett

منابع

1. Crossley, Michele L. (2000). *Introducing Narrative Psychology: Self, Trauma and the Construction of Meaning*. Open University Press: Buckingham
2. Dennett, Daniel. (1991). *Consciousness Explained Little*. Boston: Brown & Co.
3. Fischer, Walter. (1987). *Human Communication as Narrative*. Columbia: University of South Carolina Press.
4. Gergen, Kenneth. (1991). *The Saturated Self*. New York: Basic Books.
5. Harre, Rom & Gillett, Grant. (1994). *The Discursive Mind*. London: Sage.
6. Heidegger, Martin. (1962). *Being and Time*. Oxford: Blackwell.
7. Kerby, Antony. (1993). *Narrative and the Self*. Bloomington: Indiana University Press.
8. Lash, Scott & Friedman, Jonathan. (Eds.) (1993). *Modernity and Identity*. Oxford: Blackwell.
9. MacIntyre, Alistair. (1981). *After Virtue* (2nd edition). London: Duckworth.
10. Polkinghorne, Donald. (1988). *Narrative Knowing and the Human Sciences*. Albany: State University of New York Press.
11. Ricoeur, Paul. (1988). *Time and Narrative*. Chicago: University of Chicago Press.
12. Sarbin, Theodore R. (Ed.) (1986). *Narrative Psychology*. New York: Praeger.